



شفاعت پارتی بازی نیست!

سبک زندگی ایرانی اسلامی

جنگ یا صلح؟!

کشتی نجات



فصلنامه علمی، فرهنگی و اجتماعی ایلیا

دانشگاه فرهنگیان شهید سلیمانی آران و بیدگل

سال اول | شماره چهارم | تابستان ۱۴۰۰

فهرس



کشتی نجار ۱۶



سبک زنگی و سلاسی ۱۷



هشک و ماتم ۱۸



سبک زنگی و سلاسی ۱۹



سبک زنگی و سلاسی ۲۰



سبک زنگی و سلاسی ۲۱



سبک زنگی و سلاسی ۲۲

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صاحب امتیاز

کانون جهاد علمی پردیس شهید باهنر اصفهان

مدیر مسئول: علیرضا زیلویی

سردبیر: محمد قربانعلی زاده جمال

هیات تحریریه: سید حسین رضوی، محمدرضا کیوانی،

عرفان میرزا بیگی، محمد مسعود ذراتی، سالار صادقی

گلستانه، حامد خورشیدی

طراح و ویراستار: محمدرضا کیوانی

پردیس فرهنگیان شهید سلیمانی آران و بیدگل



بسم رب الحسین

باز این چه شورش است که در خلق عالم است
باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین
بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است
گویا طلوع می کند از مغرب آفتاب
کاشوب در تمامی ذرات عالم است
جن و ملک بر آدمیان نوحه می کنند
گویا عزای اشرف اولاد آدم است

باسلام و ادب خدمت یکایک عاشقان عرصه دانایی و با عرض تسلیت و تعزیت به پیشگاه حضرت بقیه الله الاعظم (ارواحنا فداه) و تمامی مسلمانان آزاده جهان به مناسبت فرا رسیدن ماه پیروزی خون بر شمشیر و شهادت سید و سالار شهیدان حضرت حسین بن علی و یاران با وفای ایشان.

نام حسین مقدس است و عشق او بر قلوب همه ی مسلمانان آزاده تا ابد حکاکی شده است. حسین تنها یک نام نیست، بلکه یک نهضت است، یک مکتب پر شور است، یک سبک زندگی است.

حسین مظهر آزادگی، عزت و شهادت است. ۱۴ قرن است که نام حسین بر تارک جهان اسلام به سان خورشید می درخشد و به تمامی قلوب مسلمین گرما می بخشد. نام حسین همانطور که به قلوب تیره و تاریک روشن می بخشد و وجودمان را از تاریکی و ضلالت نجات می دهد، بر عشق و احساس و اندیشه مان نیز همبستگی و آزادگی را هدیه میکند.

این شماره از نشریه با عنوان نهضت حسینی تقدیم به محضر شما عزیزان، دلداران و عاشقان حضرت حسین (ع)

مدیر مسئول نشریه ایلیا

گل آدم به اشک روضه متبرک و سپس آدم مقرب شد. افسوس خورد ابراهیم که چرا ذبح فرزند بر او بخشیده شد، چرا که بعد ذبح اسماعیل، مزین به جایگاه صبر بر داغ فرزند نائل می شد.

اما انگار خدا هم هوس روضه کرده بود، گفتا که ای خلیل من جان خودت برایت عزیزتر است یا که جان حبیب من محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)؟ ابراهیم عرضه داشت البته محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) گفتا که جان فرزند خودت برایت عزیزتر است یا جان فرزند محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)؟

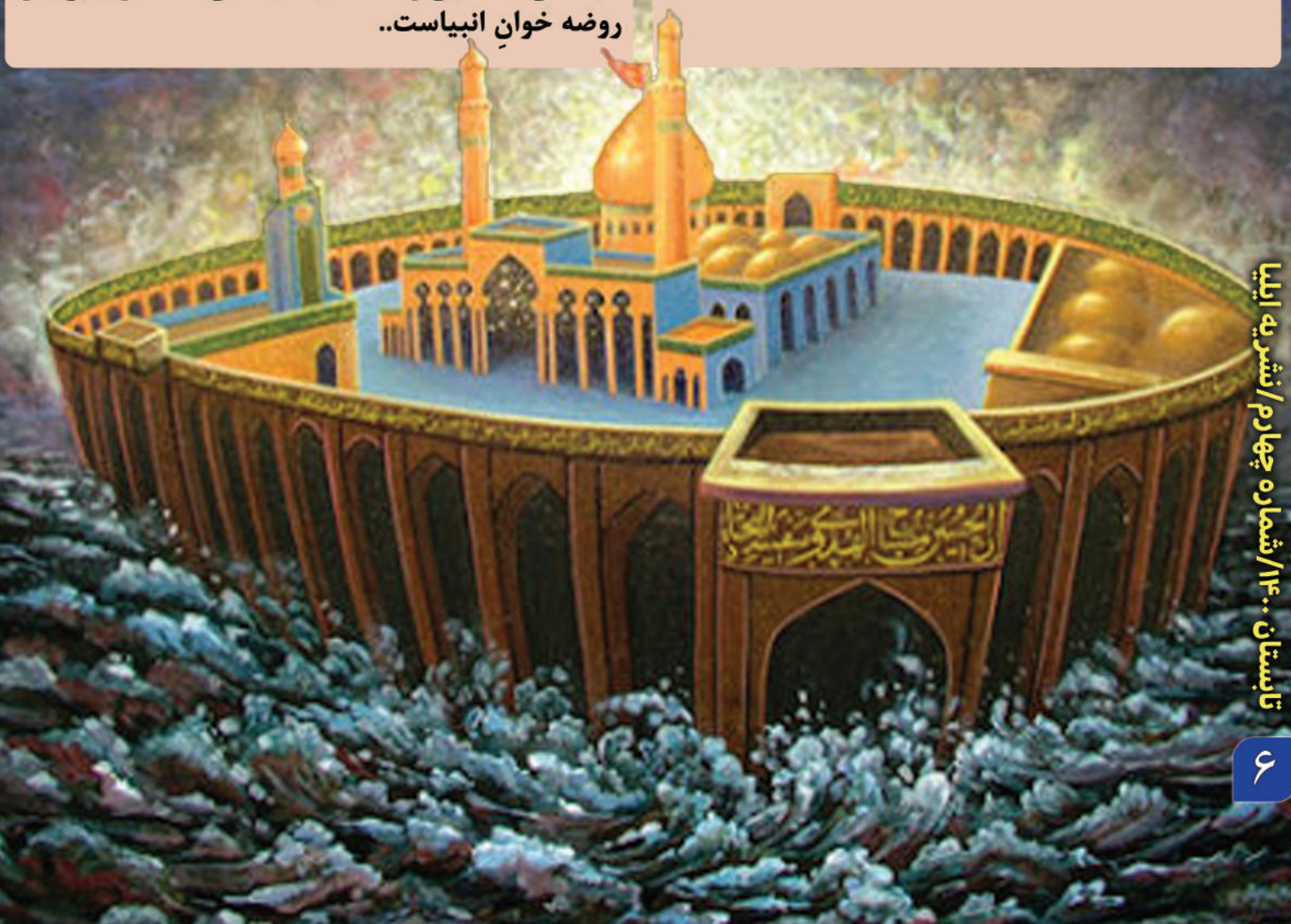
بی تاب پاسخ داد: بلکه فرزند محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) ندا رسید: حال بشنو مصیبت عظمی را... ألا که تشنه و گرسنه و بی رمق، بر خاک داغ صحرا، سرش جدا نشده، ناظر به هجوم به سمت خیمه ها... اینچنین ابراهیم بدون ذبح فرزندش به مقام صبر بر داغ عزیزش نائل شد. آگاه که همه عالم مجلس حسین و صاحب مجلس خدا و جبریل روضه خوان انبیاست..

همه در روز الست در خوف و هراس می لرزیدند آنگاه که بار امانت را به جهالت کشیدند زمزمه ها بود که عجب امانت سنگینی ست

حضرت رحمن نظاره گر امت بود بعد آنکه وعد و وعید را به سمع و نظر آدمیان رساند، شفق قلوب عباد را می دید. امتی که دست آویزی در فتن دنیا نداشت و همین امر چه قدر برای خدا سنگین بود... از سوز دلش ندا داد برای این امت کشتی نجات، نور هدی، خون خدایی خواهیم...؟

و از آن جمع دست خونین کسی عیان شد، انگار که انگشتی داشته ولی حال انگشت و انگشتی نیست، و تلذی کودک کی شیرخواره، اصلاً آن روز مهم را به هم ریخت...! کشتی نجات به اقیانوس فتنه ها افتاده و ندای «ارکبوا فیها» (سوره هود) می دهد. در امواج فتنی که به ارتفاع کوه ها جذر و مد می کند و چه پناه خوبی است حسین (سلام الله علیه...)

او با خون خود، پناه آدم شد، اولین روضه خوان بعد خدا، جبریل و مستمع تازه آدم شد.



سبک زندگی ایرانی اسلام

مهرضا کوان

بود قطعاً حجت ناتمام می ماند و از طرف دیگر این برنامه از طریق قرآن و فرستاده های خدا بر روی زمین در اختیار انسان ها قرار داده شده است. همانند خرید یک وسیله خانگی که دفترچه راهنمایی همراه خود دارد، برنامه کامل انسان هم بصورت نظری در قرآن و بصورت عملی در سیره و روش زندگی انبیاء و اوصیا آمده است.

در آیات قرآن دو نوع آیه محکmat و متشابهات وجود دارد. فهم آیات محکmat واحد است و فهم آیات متشابهات متعدد و گونه گون است و نیاز به رجوع بر اصحاب حقیقی قرآن یعنی پیامبر و امامان معصوم دارد و از آنجا که به حکمت حدیث ثقلین که کتاب الله و عترتی و اهل بیتی را کنار هم قرار داده و اینکه قرآن ابتدا و اهل بیت در قسم دوم آمده، می توان دریافت که برای استخراج یک سبک زندگی بر اساس دین اسلام باید به این دو مورد چنگ زد و تمسک جست. از طرف دیگر سنت و پیشینه غنی و پر بار ایرانی که طی سالیان سال توسط پیشینیان انجام می شده و روشی مشابه سبک زندگی اسلامی دارد و این موضوع قابل تأمل است. این روش زندگی که شامل بخش ها و علوم مختلف می شود که همچنان قسمت زیادی از آن را بشریت درک نکرده و دارای ابعاد ژرف و شگرف است. در این بخش که به نام سبک زندگی ایرانی-اسلامی مزین شده است به موارد مرتبط با سلامتی و بهداشت و یا بهتر است بگوئیم چگونه زیستن پرداخته می شود.

در جوامع امروزی و با پیشرفت تکنولوژی، بشر به دنبال راهکارهایی برای بهتر زندگی کردن است و این راهکارها در جوامع، دستگاه ها و بخش های مختلف تحقیق و بررسی می شود. یکی از این ارائه دهنده ها ادیان هستند و هر دین پیشنهادات خاص خود را دارد و اسلام به عنوان یکی از ادیان است که برنامه ها و روش های مختلفی برای زندگی و سبک زندگی دارد. پیامبر مکرم اسلام میفرماید «من عرف نفسه فمّن عرف ربه» هر کس خودش را بشناسد خدایش را شناخته است. با تأمل و تفکر درباره این حدیث ابعاد مختلف انسان را متوجه می شویم. یکی از این ابعاد، بعد مادی که نمود آن در جسم انسان و بعد معنوی که در روح انسان نمود دارد. همانگونه که در علم فلسفه گفته می شود انسان می تواند جهان را به نحوی در درون خود داشته باشد و تجلی گاه جهان باشد، و این تبلور را می توان هم در جسم و هم در روح او مشاهده کرد.

همچنین در واقعه غدیر و با انتصاب امیرالمومنین علی علیه السلام توسط پیامبر خاتم صورت گرفت و با پیامی از سوی حضرت حق که «حجت را بر شما تمام کردم» همراه شد؛ این حجت به معنای نزول تمام لوازم لازم برای رسیدن به هدف کل عالم که تقرب الهی است، می باشد. و همانگونه که آگاه به این موضوع هستیم که جسم بر روح و روح بر جسم تأثیر می گذارد، بنابراین این لوازم در دو بعد ظاهر می شود. اگر مقصود از لوازم، فقط معنوی

اشک و مانع



در این شماره به مناسبت شهادت سرور و سالار شهیدان، امام حسین علیه السلام به آثار گریه و عزاداری از لحاظ روانشناسی در این علم پرداخته میشود. در حالیکه بسیاری اشک و گریه را نشانه ضعف می پندارد اما بطور خلاصه میتوان گفت:

۱- تحقیقات علمی نشان داده است که افرادی که گریه می کنند در واقع «قوی تر» هستند زیرا می توانند استرس خود را از طریق اشک رها کنند که به آنها کمک می کند احساس سبکی بیشتری داشته و از نظر روحی خود را حفظ کنند. شاید به همین خاطر است که وجود مقدس امام رضا علیه السلام در سفارش خود به ریان بن شبیب فرمودند: ای پسر شبیب هر گاه خواستی بر چیزی گریه کنی بر حسین بن علی علیهما السلام نیز گریه کن. چرا که فرد غمگین یا ناراحت با گره زدن گریه و ناراحتی خود به مصیبت امام حسین علیه السلام تا حدودی می تواند تعادل روحی خود را حفظ نموده و احساس سبکی بیشتری داشته باشد!

۲- گریه ذهن را از احساسات منفی رها می کند:

بله، ممکن است این مطلب را پارادوکس و متناقض بنامید و بپرسید که چطور ممکن است؟

خب مطالعات زیادی در مورد گریه نشان داده است که در واقع عمل گریه باعث تحریک مغز می شود تا بتواند (اندورفین هورمون خون) را ترشح کند که به نوبه خود احساس آرامش، شادی و تسکین به ارمغان می آورد.

گریه حتی سطح «مگنز» زیادی بدن را هم کاهش می دهد.

پس سفارشات بی حد و حصر ائمه اطهار علیهم السلام برای تشویق مومنان به گریه بر ابا عبدالله و ذکر ثواب های عجیب و با عظمت برای گریه عزادار

مطمئناً علاوه بر جنبه های معنوی میتواند منافع روحی و روانشناختی هم داشته باشد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «خدا حیا می کند گریه کننده بر حسین ابن علی علیهما السلام را عذاب نماید.»

۳- گریه به معنای پایان دادن به مشکل شما نیست:

به همین خاطر هم اهل بیت علیهم السلام دائماً ما را به گریه بر مصیبت ابا عبدالله علیه السلام سفارش کرده اند تا ما را متوجه این مساله کنند که ظلم و جنایت وارد شده بر آنها را فراموش نکنیم و آن را تمام شده فرض ننماییم! آن بزرگواران ما را دائماً بر گریه بر جد غریبشان امر نموده اند تا لحظه ای از این نکته غافل نشویم که مشکل اهل بیت علیهم السلام هنوز برطرف نشده است!

۴- بسیاری از مردم با توجه به خجالت و احساس شرمی که با این عمل همراه است، از گریه می ترسند. اما حقیقت این است کسانی که گریه می کنند به اندازه کافی «شجاع» هستند زیرا فراتر از تعارفات اجتماعی فکر می کنند که این امر قدرت ذهنی آنها را نشان میدهد. از همین روست که مولایمان امام صادق (علیه السلام) در سجاده خویش این چنین برای بلند گریه کنندگان دعا می فرمایند: «خدایا، آن فریادها و ناله های بلندی که در راه مصیبت ما بوده است، مورد رحمت قرار بده.»

۵- زمانی که فرد در گروهی قرار میگیرد و همراه با آنها عزاداری و گریه می کند، کارکردهای مثبت بیشتری را تجربه خواهد کرد. و چه بسا وصیت گهربار امام باقر به امام صادق علیهما السلام مبنی بر برگزاری مجالس روضه در ایام پر جمعیت و شلوغ حج و در سرزمین منا، آن هم به مدت ده سال، با این مطلب بی ارتباط نبوده باشد!

ما ملت امام حسینیم





(دستور به عزادارای جمعی)

۶- گریه اضطراب و استرس منفی را به روشی واقعی کاهش می دهد. گریه مطلوب، فشار خون را کاهش داده و سموم مضر را از بدن خارج می کند. همچنین سطح مگنیز بدن را کاهش می دهد، ماده معدنی که ثابت شده است بر روحیه ما تأثیر منفی می گذارد. آری! با تبعیت از سیره ارزشمند مولایمان ولی عصر (عج) که مدام هر صبح و شام بر مصیبت جدشان گریه می کنند، میتوانیم علاوه بر دستیابی به منافع معنوی و روحی این عمل، به تأثیرات جسمی و مثبت گریه بر ابا عبدالله علیه السلام نیز دست یابیم.

۷- فردی که در مقابل دیگران گریه میکند، احساس ایمان فوق العاده ای به انسانیت و به ارزش و قدرت خود نشان می دهد. پس درود خدا بر گریه کنندگان بر ابا عبدالله علیه السلام که امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر گریهات نمی آید، خود را به حالت گریه در آور پس اگر به اندازه سر مگسی اشکت بیرون آمد، پس مرحبا به تو که بهشت بر تو واجب می شود!»

۸- چند سال پیش یک بیوشیمیست دریافت که اشکهای عاطفی نشان میدهد تغییرات روانشناختی و فیزیولوژیکی مهمی در هنگام ریختن اشک در بدن اتفاق می افتد. اشکهای عاطفی، در لحظه های احساس شدید ریخته می شوند و هورمون های استرس را به راحتی خنثی می کنند.

۹- گریه «فعالانه» سطح چشم شما را روغن کاری میکند و آنها را از کمبود آب بدن و ناراحتی های مربوطه متوقف میکند. اشک ها همچنین دارای اثرات ضد باکتریایی است و حتی می تواند به دفع سموم از سیستم بدن کمک کنند. بنابراین، اگر هرگز گریه نکردید، به طور جدی سلامت و رفاه جسمی و روحی خود را کاهش داده اید.

۱۰- «استفان سایدراف»، دکتر روانشناس بالینی در UCLA و مدیر موسسه اخلاق رائول والنبرگ می گوید: «گریه بدن را به روشی سالم فعال می کند. امام

صادق علیه السلام فرمودند: «برای هر چیزی ثوابی معین است؛ جز اشکی که برای ما ریخته می شود که ثواب آن با خداست.»

۱۱- ژاپنی ها آنقدر معتقد به مزایای سلامتی «گریه و اشک» هستند که این مساله را به یک مرحله درمانی رسانده اند. (گریه درمانی)

*در حال حاضر برخی از شهرهای ژاپن دارای «باشگاه های گریه» هستند به نام «rui-katsu»، جایی که مردم گرد هم می آیند تا در مراسم های قدیمی مدیحه سرایی کنند. (برای کمک به جاری شدن اشک، شرکت کنندگان ابتدا به گروهی که گریه می کنند تماشا میکنند تا با مشاهده آن ها اشک خودشان نیز جاری شود).

پس چه بسا امر به تباهی (خود را به گریه انداختن) در مجالس روضه سیدالشهدا علیه السلام توسط اهل بیت علیهم السلام نیز علاوه بر نایل شدن شخص به فیض عظیم، خود، عاملی باشد برای گریاندن اطرافیان و آمادگی بیشتر جلسه!

۱۲- طبق آخرین تحقیقات، استرس عضلات را محکم کرده و تنش را افزایش می دهد، بنابراین وقتی «گریه» می کنید بخشی از آن را رها می کنید. «گریه» همچنین سیستم عصبی پاراسمپاتیک را فعال می کند و بدن را به حالت تعادل باز می گرداند.

۱۳- پروفیسور «راجر بیکر» از دانشگاه بورنموث معتقد است که «گریه کردن به شما اجازه می دهد تا صدمات روانی را به شکلی جسمی خارج کنید. اشک شما باعث شروع یک بهبودی است.»

آری وقتی یک قطره اشک به خاطر دلسوزی بر مصیبت های اهل بیت علیهم السلام از چشم جاری شود، دیگر یک قطره معمولی نیست! آن وقت است که حکایتش با اشک های دیگر کاملاً متفاوت می شود.

تاریخ دشمنی

چرا امام حسین(ع) یکی از اهداف قیام خود را اجرای عدالت اجتماعی بیان فرمود؟

امام حسین(ع) در نامه‌ای به مردم کوفه، یکی از اهدافش را جلوگیری از ظلم و ستم ظالمان و اجرای عدالت بیان می‌کند و می‌فرماید: «أَمَا بَعْدُ فَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) قَدْ قَالَ فِي حَيَاتِهِ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحَرَمِ اللَّهِ، نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ، مُخَالَفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ، يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْأَثَمِ وَالْعُدْوَانِ، ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْ بِقَوْلٍ وَلَا بِفِعْلٍ، كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَذْخَلُهُ»؛ (بی شک می‌دانید که رسول خدا(صلی الله علیه و آله) در زمان حیاتش فرمود: هر کس حاکم ظالمی را مشاهده کند که (در اثر ظلم و جور) محرمات الهی را حلال شمرده و عهد و پیمان‌های الهی را شکسته و با سنت و سیره رسول خدا مخالفت کرده و در میان بندگان خدا با گناه و دشمنی عمل می‌کند و در مقابل چنین حاکم ستمگری هیچ‌گونه عکس العمل گفتاری یا رفتاری از خود بروز ندهد، خداوند چنین انسانی را در جایگاه همان ظالم ستمگر داخل می‌کند و سرنوشت هر دو یکی است).

امام حسین(علیه السلام) در این نامه که ظاهراً خطاب به مردم کوفه، اما در

حقیقت مخاطب آن همه انسان‌های آزاده جهان است. پیام رسول الله(صلی الله علیه و آله) را در مبارزه با ظلم و ستم و بی‌عدالتی بیان می‌کند، و ضمن اعلان هدف قیامش، همه را به همکاری در مبارزه با تبعیض‌های نامشروع و ظلم و ستم‌های آشکار و گسترده بنی‌امیه دعوت می‌کند.

با مرگ معاویه و روی کار آمدن یزید ظلم و بی‌عدالتی‌ها از آن هم فراتر رفت و به حد اعلای رسید و از این رو امام حسین(علیه السلام) با استناد به فرمایش پیامبر اسلام(صلی الله علیه و آله)، مبنی بر عدم جواز سکوت در برابر ظلم ظالمان و جائران، قیام می‌کند و این انقلاب را تا مرز شهادت ادامه می‌دهد، تا همه جهانیان بدانند حکومت یزید حکومت پیامبر(صلی الله علیه و آله) نیست. تازه مسلمانانی که تعداد آنها در گوشه و کنار جهان رو به افزایش بود بفهمند اسلام حقیقی چیزی نیست که بنی‌امیه و یزید آن را ترویج می‌کنند و این کار امام حسین(علیه السلام) بسیار مهم و با ارزش بود.

شاید تا به حال دیده باشید که برخی از افراد ناآگاه کارهای اشتباه انجام می دهند و یا نماز نمی خوانند و در هیئت ها هم کار می کنند بعد می گویند امام حسین (علیه السلام) می بخشد؛ باید شفاعت را شناخت یعنی چه؟ شفاعت در لغت به معنای ضمیمه کردن چیزی با چیز دیگر و در اصطلاح یعنی عفو و بخشش و در مبحث ما در جایی به کار می رود که در آخرت افرادی مثل چهارده معصوم (علیهم السلام) که دارای مقام شفاعت هستند و می توانند با وساطت نزد خداوند متعال گناهان آنها را از بین ببرند. قبل از آنکه مفهوم صحیح شفاعت را عرض کنیم باید بگوییم که طبق روایت امام رضا (علیه السلام) از کتاب صفات الشیعه شیخ صدوق صفحه پنجاه منقول است که ایمان به مسئله شفاعت از ویژگی شیعیان است.

*** مفهوم درست و نادرست شفاعت**

شاید برخی تصور کنند شفاعت یعنی کسی که دارای نفوذ و قدرت یا خشونت هست با تحریک عواطف نظر شخص قدرتمندی را میتواند در مورد مجازات زبردستان عوض کند. این نه تنها درست نیست و هیچ تاثیری در روحیه مجرم برای پشیمانی ندارد بلکه باعث جرئت بر گناه می شود و این خود نوعی شرک است و اصلاً درست نیست چرا که خداوند اشتباه نمی کند یا اینکه از

روی عاطفه تصمیم نمی گیرد که بتوان نظرش را عوض کرد و اینکه وحشتی ندارد و خارج از عدل حکم نمی کند.

بلکه به معنای صحیح شفاعت بدین گونه است که مسئله شفاعت تحول و تغییر موضع شفاعت شونده هست که اگر شفاعت شونده موجباتی را فراهم کند که از گناه و اشتباهاتش دور شود با ارتباطی می تواند مورد شفاعت واقع شود. این نگاه نه تنها بر خلاف نگاه قبلی مشکل ندارد بلکه یک مکتب عالی برای اصلاح افراد است که سبب ناامیدی هم نمی شود و بیداری افراد را به همراه دارد و باعث تلاش بیشتر از جانب فرد گناهکار می شود.

حاجب یکی از شعرا تصور می کرد که شفاعت در هر حالتی میسر است به همین جهت شعری سرود که شعرش این است:

حاجب اگر معامله حشر با علی است

من ضامنم تو هر چه بخواهی گناه کن

حاجب همان شب امیرالمومنین علیه السلام را در خواب دید که بعد از این که شعر را برای حضرت خواند حضرت ضمن نکوهشش گفت شعر خود را اصلاح کن. او پرسید چگونه اصلاح کنم؟ حضرت فرمودند:

حاجب اگر معامله حشر با علی است

شرم از رخ علی کن و کمتر گناه کن

در آیات قرآن شفاعت به دو صورت نفی و اثبات شفاعت آمده مثل آیه شریفه ۴۸ سوره بقره که در نفی آن است: ...وَيُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ... ﴿۴۸﴾ و در آیه ۲۵۵ سوره بقره آن را ثابت کرده است: ...مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ... ﴿۲۵۵﴾ آیات دسته اول نفی استقلال در شفاعت را بیان می کند که شفاعت را فقط خداوند می تواند به کسی بدهد و آیات دسته دوم به این اشاره دارد که اگر ضوابط و شرایط شفاعت محقق باشد به اذن الهی شفاعت ممکن است.

*** شفاعت کنندگان**

همانطور که گذشت شفاعت در قرآن به اذن الهی مورد انجام واقع می شود و در روایتی از وجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: "إِنِّي أَشْفَعُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأُشْفَعُ، وَ يَشْفَعُ عَلَيَّ فَيُشْفَعُ وَ يَشْفَعُ أَهْلُ بَيْتِي فَيُشْفَعُونَ". یعنی به راستی در روز قیامت من شفاعت می کنم و پذیرفته می شود و علی هم شفاعت می کند و قبول می شود و اهل بیتم شفاعت خواهند کرد و پذیرفته خواهد شد. (بحار الانوار، جلد هشت، صفحه چهل و سه و میزان الحکمه، حدیث ۹۵۰۵)

یا در حدیث دیگری فرمودند: ثَلَاثَةٌ يَشْفَعُونَ إِلَى اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُشْفَعُهُمُ: الْأَنْبِيَاءُ ثُمَّ الْعُلَمَاءُ ثُمَّ الشُّهَدَاءُ. (میزان الحکمه، حدیث ۹۵۰۲)

*** شرایط شفاعت شوندهگان**

شرط قطعی و اساسی شفاعت ایمان به ولایت اهل بیت علیهم السلام است. در روایتی هست که: قطعاً دشمنان علی علیه السلام در آتش جاودان اند و آنان به شفاعت نمی رسند. (بحار الانوار، جلد ۸، صفحه ۳۶۱) هر کسی هم که اهل شرک و کفر باشد به تصریح آیه قرآن بخشیده نمی شود؛ در سوره نساء آیه شریفه ۱۱۶ هست که می فرماید: إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ... ﴿۱۱۶﴾

در جای دیگر هست که امام صادق علیه السلام کسی که نماز را سبک بشمارد از محرومین شفاعت بر شمرده اند.

با آنچه که گفته شد شفاعت برای حقوق الهی است نه برای حق الناس هر چند که اگر کسی توبه حقیقی کند خداوند در روز قیامت به اندازه ای به آن صاحب حق می دهد تا او را راضی کند. بنابراین مشخص شد شفاعت یعنی مشوق برای ترک گناه و ناامید نشدن از گناهان قبلی نه اینکه به هر بهانه ای کار خودمان را بکنیم و پای امام حسین علیه السلام را به میان بیاوریم.

تاریخ، رهبران و فرماندهان شجاع و حکیمی را سراغ دارد که صلح را بر جنگ ترجیح داده اند. زیرا فراتر از پیروزی در میدان نبرد را نیز در نظر داشته اند. اما در تفکر اصالت پیروزی نظامی، صلح و سازش تنها در زمانی جایز است که امیدی به پیروزی نباشد. در چنین فرهنگی، هر نوع صلح با دشمن، با خواری و خیانت یکسان قلمداد می شود. در این تفکر رخدادهای بزرگی چون «صلح حدیبیه» و «صلح امام حسن (ع)» جایی ندارند. اما تا دلتان بخواهد از غزوه ها، قیام ها و درگیری های مسلحانه سخن گفته می شود. در حالی که قرآن از صلح حدیبیه به نام «فتح مبین» یاد می کند. امامان ما به عنوان جانشینان پیامبر وظیفه رهبری امت و تبیین و حفاظت از دین را عهده دار بوده اند، از این رو در هر دوره برای تحقق این مهم شیوه ای خاص و متفاوت را در پیش گرفته اند. در رابطه با دلیل قیام امام حسین و چرایی صلح امام حسن باید در نظر داشته باشیم که اینها دو حادثه تاریخی اند که معلول شرایط و اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان خود هستند و این دو واقعه را باید با در نظر گرفتن اوضاع و احوال زمان خودشان بررسی نمود. از نگاه ما امام حسن و امام حسین هر دو امام و معصوم از خطا و اشتباه اند.

سرّ صلح و قیام هریک از این دو بزرگوار، در متفاوت بودن شرایط سیاسی-اجتماعی زمان آن دو حضرت، نهفته است. امام حسن (ع) در شرایط بسیار حساس زمان خود با تدبیری خاص توانست ضمن حفظ اصل دین، مراعات حکم خدا و مصلحت مسلمانان، شیعه را از موقعیتی بحرانی و حساس نجات دهد. در حقیقت آنچه سبب اتخاذ چنین راهبردی از جانب ایشان شد، همان اهدافی است که سبب گزینش راهبرد جهاد و شهادت به وسیله امام حسین (ع) شد و آن بقاء و استمرار دین خدا بود. درواقع با توجه به عوامل قیام امام حسین (ع) می توان دریافت که صلح امام حسن (ع) با معاویه زیربنای قیام آن حضرت بوده است؛ بدان معنی که اگر مفاد عهدنامه از سوی معاویه رعایت می شد، مسیر تاریخ اسلام به گونه ای دیگر رقم می خورد و به احتمال زیاد فاجعه بزرگ کربلا اتفاق نمی افتاد. بنابراین حتی اگر امام حسین (ع) که قیام پر عظمت کربلا را در تاریخ بشریت جاودانه ساخت در زمان معاویه قیام مسلحانه نکرد، بدان معنی نیست که پایبند به عهدنامه صلح نقض شده از جانب معاویه بود؛ بلکه به سبب حساسیت این مبارزه، در صدد فراهم آوردن شرایط آن بود که بتواند با حداقل امکاناتی که در اختیار داشت، کار عظیم و جاودانه ای را انجام دهد

جنگ یا صلح؟! سالار صادق گلزار



در واقع صلح به این معنا تن دادن به هرچه دشمن اراده کرده، نیست، بلکه نوعی راهبرد برای حفظ آرمان ها و ارزش ها مورد علاقه و پذیرش صلح کننده است. بنابراین مبنای امامان در جنگ و صلح، چیزی جز حفظ دین و کیان مسلمانان نبود.

چرا امام حسین قیام کرد؟ اصلاً چه نیازی به قیام بود؟ مگر امام حسین علیه السلام نمی دانست شهید می شود به نظر شما این کار خود کشی نیست؟ شاید این قبیل سوال ها ذهن شما را هم درگیر کرده باشد ما در این نوشتار می خواهیم یک بار برای همیشه پاسخی برای این سوال های شبهه انگیز بیابیم.

ماجرای آنجا شروع شد که جامعه زمان امام حسین آن قدر غرق در فساد و تباهی شده بود که اگر بخواهیم به یک نمونه اشاره کنیم باید بگوئیم زمانی که یکی از همین سابقه داران اسلام از دنیا رفت برای تقسیم اموالش دچار اختلاف شدند تا اینکه تصمیم گرفتند تمام اموالش را به شمش طلا تبدیل کنند و آنها را با تبر بین وراثت تقسیم کنند. شما ببینید چقدر بوده که طلایی که با سنگ مثقال وزن می کنند را با تبر تقسیم کردند. نکته دوم روی کار آمدن فردی بود که آشکارا فسق و فجور می کرد و علناً دین و آنچه بر پیامبر نازل شده بود را بازیچه و دروغ می پنداشت. با این شرایط امام حسین (ع) دو راه بیشتر نداشت یا باید در مدینه می ماند و کشته می شد چون طبق سخن خود که فرمود: مثلی لا یبایع مثله، (همچو منی هرگز با همچو یزید بیعت نمی کند) هرگز با یزید بیعت نمی کرد یا باید به تکلیف عمل می کرد.

حال باید ببینیم تکلیفی که خدا بر گردن امام گذاشته چه بود؟ راجع به هدف قیام امام حسین علیه السلام سخن ها زیاد گفته شده و صفحه های زیادی سیاه شده است برخی گفته اند هدف امام تشکیل حکومت اسلامی بود بعضی نیز گفته اند هدف امام شهادت بود تا خون ایشان پایه های حکومت سراسر ظلم و پلییدی یزید را بلرزاند. هر دوی اینها تا حدودی درست است ولی هدف امام این ها نبود. هدف امام عبارت بود از انجام یک واجب عظیم که نه در قبل از امام حسین علیه السلام تکلیف بود و نه بعد از ایشان تکلیف شد. چون شرایط انجام آن پدید نیامده بود وگرنه اگر آن شرایط در زمان امام حسن ع هم بود ایشان آن واجب عظیم و آن تکلیف را عمل می کردند.

اما آن واجب عظیم چه بود؟ بهتر است پاسخ این سوال را از فرمایشات خود امام جست و جو کنیم؛ امام حسین علیه السلام در راه کربلا در هر کدام از

کلنگی کناه

حامد خورشیدی

آجر به آجر خاک ریزه های صحرای بی
انتهای سنگدل، مشتی بودند بر صورت
معصوم بچه هایی که هنوز طعم تلخ
زندگی را مزه مزه هم نکرده بودند. آن
روز خار گل بوته ها هر چه خود را جمع
کردند و تنگ تر نشستند، نتوانستند با
پای کوچک و بی سلاح کودکان بی رمق
ملاقاتی نکنند و بوسه بر پاهایشان
نزنند. گاهی با ته مایه ی آب دهانشان
لب های خشک و ترک خورده شان را
آبیاری می کردند. نسیم طوفانی و داغ
دیده ی بیابان بی آب و علف تالابی عمیق
تر از آن بود که کودکان بی گناه بتوانند
در آن شنا کنند و غمی که برای همیشه
بر چهره هایشان حکاکی شد. یادگار
تلخ معصومیت و خوی وحشی درنده های
زندگی بود و بوته های خاری که در بغل
بچه های بی پناه آرام گرفتند...



منازل صحبت هایی دارد در یکی از این
منزل ها که با لشکر حر بن یزید
ریاحی روبرو است خطاب به دشمن می
فرماید: ایها الناس، ان رسول الله (ص) قال:
مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ
نَاكثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ
يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ لِمِ
يُغَيِّرُ بَقُولٍ وَ لَا فِعْلٍ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ
يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ. [ای مردم! پیامبر خدا صلی
الله علیه و آله فرمود هر مسلمانی با
سلطان زورگویی مواجه گردد که حرام
خدا را حلال نموده و پیمان الهی را درهم
می شکنند و با سنت و قانون پیامبر از در
مخالفت درآمده و در میان بندگان خدا راه
گناه و معصیت و عدوان و دشمنی در پیش
می گیرد ولی او در مقابل چنین سلطانی
با عمل و یا با گفتار اظهار مخالفت
ننماید برخداوند است که این فرد
(ساکت) را به محل همان طغیانگر در
آتش جهنم داخل کند.]

پس درمی یابیم آن واجب عظیمی که
همان تکلیف امام است (یَغَيِّرُ بَقُولٍ وَ
فِعْلٍ) هست به عبارت دیگر هدف امام
حسین علیه السلام این است که جامعه
را از خط انحراف که باعث می شود
چیزی از اسلام نماند، بازگرداند و آن را در
مسیر درست قرار دهد حال می خواهد
نتیجه اش تشکیل حکومت باشد یا
شهادت در واقع حکومت یا شهادت
نتیجه است نه هدف امام حسین علیه
السلام. اصلاح امت آن قدر مهم است
که حتی اگر بدانی در این مسیر ممکن
است کشته هم بشوی باید برای این
هدف والا را پی گیری به شرطی که
بدانی با کشته شدن هم به هدف می
رسی نه اینکه بیگدار به آب بزنی.
(یعنی همان مهیا بودن شرایط) و چه
کسی از فرزند رسول خدا سزاوارتر برای
عمل به سخن رسول الله و اینطور شد
که حسین به هدفش که همان نجات
دین جدش بود رسید و اسلام را زنده
کرد و آن حدیث نبوی که فرمود حسین
مَتَى وَ اَنَا مِنْ حُسَيْنٍ تحقق یافت.

